

- زمانه (آزردگی از اوضاع زمان و اهل زمانه) نیز ←
 عهد طرب...؛ ورع
 زمزمه ← آواز (سرود؛ نغمه؛ گلبانگ؛ زمزمه)
 زنجیر زلف و دل شیدا ← دل شیدا و زنجیر زلف
 زرخندان ← چاه زرخندان
 زندگی پس از مرگ ← مرگ اندیشی (و زندگی پس از مرگ)
 زنده بیدار ← مرگ اندیشی (و زندگی پس از مرگ)
 زوال حال
 زوال حال نیز ← جهان؛ ناکامی
 زوال قدرتها ← جهان
 زهد ← زاهد
 زهد / زهد ریا
 زهد ریا نیز ← ریا؛ صوفی؛ خانقاه
 زهدستیزی
 زیباپرستی و نظربازی ← نظربازی (و زیباپرستی)
 زیبارویان ← خوبان
 زیبایی ← حُسن
 زیبایی و عشق ← عشق (و زیبایی)
 سابقه لطف ازل ← لطف الهی
 ساقی (جمال و جاذبه)
 ساقی کوثر ← علی بن ابیطالب (ع)
 ساقی (مخاطبات)
 سالوس ← ریا
 سبزه خط ← خط
 ستایش باده ← باده ستانی
 ستم ستیزی ← عدل
 ستیزه با ریا ← ریاستیزی
 سحر چشم ← چشم یار
 سحر خیزی ← شب زنده داری
 سخن آموزی عشق ← عشق (آموزگار سخن)
 سخن گفتن دری ← شعر حافظ...
 سخن و سخن دانی ← هنر (و نامرادی هنرمند)
- سِرّ ← راز پوشیدن
 سرای مغان ← خرابات
 سر زلف ← زلف (تطاول زلف)
 سرشک ← اشک
 سرگشتگی ← حیرت و یأس فلسفی
 سرنوشت (بازی سرنوشت و بازی غیرت)
 سرنوشت نیز ← جبر (تقدیر)؛ رضا و تسلیم
 سرو (استعاره از قامت) ← قامت یار
 سرود ← آواز (سرود، نغمه، گلبانگ، زمزمه)
 سرور ← امیدواری و خوش بینی
 سروش (هاتف، فرشته، ملک)
 سفر ← عزم سفر
 سفر کرده ← یار سفر کرده
 سفر نیز ← شیراز ← غربت (غم غربت)؛ هنر (و نامرادی هنرمند)
 سلسله زلف ← زلف (تطاول زلف)
 سلسله و دیوانه ← دل شیدا و زنجیر زلف
 سلطان ← شاه
 سلطان ابوالفوارس ← شاه شجاع
 سلطان اویس ← ایلکانی، اویس
 سلطنت فقر (گنج در گدائی)
 سلطنت فقر نیز ← فقر (سلطنت فقر)
 سلوک
 سلوک (آیین سلوک)
 سلوک (ترک آسایش و تنعم)
 سلوک شعر ← شعر حافظ...
 سلوک (واماندگی و کاهلی)
 سلوک نیز ← پیر؛ ترک تعلق؛ تصفیة درون؛ طلب؛ هدایت
 سلیمان و داود (ع)
 سماع و رقص ← موسیقی
 سمن بویان ← خوبان
 سنگدلی معشوق ← جفای یار؛ معشوق (سنگدلی معشوق)

- سوختن خرقه ← خرقه سوزی (آتش زدن به خرقه)
 سوختن و ساختن
 سوختن و ساختن نیز ← درد بی درمان؛ غم پرستی
 سودای خام ← ناکامی
 سوز دل
 سوز دل نیز ← آتش عشق؛ سوختن و ساختن؛
 عشق؛ هجران (فراق، جدائی)
 سوگ عزیزان
 سوگ عزیزان نیز ← مرگ اندیشی (و زندگی پس از
 مرگ)
 سیب زنخدان ← چاه زنخدان
 سیر صعودی ← قوس صعود
 سیر صعودی نیز ← قوس نزول
 سیر و سلوک ← سلوک
 سیل اشک ← اشک
 سیه چشمان ← خوبان
 شادی خوردن ← باده (شادی روی کسی خوردن)
 شادمانی ← امیدواری و خوش بینی
 «شاه ترکان» ← شاه شجاع
 شاهدان ← خوبان
 شاهد بازی ← صوفی؛ نظربازی (و زیباپرستی)
 شاهد و شراب ← باده و ساده
 شاه شجاع (جلال الدین)
 شاه شیخ ابواسحق
 شاه منصور
 شاه نصره الدین ← شاه یحیی
 شاه یحیی
 شبان وادی ایمن ← موسی (ع)
 شبروی ← عیاری
 شب زنده داری
 شب زنده داری نیز ← عشق (و بی خوابی)
 شب صحبت ← شب وصل
 شب قدر ← شب وصل
 شب نشینی ← شب زنده داری
 شب وصل
 شبهای انتظار ← انتظار بازگشت
 شب هجر ← هجران (فراق و جدائی)
 شجاع الدین منصور ← شاه منصور
 شجاع مظفری ← شاه شجاع
 شحنة نجف ← علی ابن ابی طالب (ع)
 شراب ← باده
 شرابخانه ← خرابات
 شراب و خرقه
 شراب و شاهد ← باده و ساده
 شرب الیهود
 شرب الیهود ← باده؛ باده نوشی پنهان؛
 صوفی
 شطح و طامات (دعوی کرامات)
 شطح و طامات نیز ← صوفی
 شعر حافظ
 شعر حافظ نیز ← هنر (و نامرادی هنرمند)
 شکایت (ترک شکایت) ← ترک شکایت
 شکر
 شکر نیز ← رضا و تسلیم
 شکرخند ← دهان و لب
 شک زدائی به مدد باده ← (باده نوشی و رهائی از
 شک)
 شکستن عهد ← عهد شکنی
 شک و تردید
 شک و تردید نیز ← حیرت و یأس فلسفی
 شکیبائی ← صبر و ثبات
 شمع و پروانه
 شیخ ابواسحق ← شاه شیخ ابواسحق
 شیخ اویس [بن] حسن ایلکانی ← ایلکانی، اویس
 شیخ خانقاه
 شیخ نیز ← زاهد؛ صوفی؛ واعظ و فقیه

شیدائی دل و زنجیر زلف ← دل شیدا و زنجیر
زلف

شیدائی و عشق ← عشق و شیدائی
شیراز

شیر خدا ← علی بن ابی طالب (ع)
شیرین و فرهاد

شیطان ← اهریمن

شیعه گرائی حافظ ← علی بن ابی طالب (ع)

صابری و عشق ← عشق (و صابری)

صاحب عیار ← قوام الدین محمد صاحب عیار
صبا ← باد صبا (نسیم)

صبر

صبر نیز ← تحمل بلا

صبر نیز ← ترک شکایت؛ عشق (ثبات قدم)؛
ناکامی

صبر و ثبات ← عشق (و صابری)

صبح / صبحی ← باده صبح

صحبت ناجنس ← همنشین بد (یار مخالف)

صدق و صفا و اخلاص

صعود معنوی ← قوس صعود

صلاح ستیزی ← عافیت ستیزی

صلح و دوستی ← دوستی و صلح

صلح و دوستی نیز ← آشتی جوئی

صله ← حسن طلب

صوفی

صوفی نیز ← درویشان / درویشی؛ خانقاه؛ زاهد؛
ریا

صوفی (بی اعتباری خرقه) ← خرقه (دلق، پشمینه)

صومعه ← خانقاه

صیام ← رمضان

ضعیف نوازی ← کمک به مستمندان

طاق ابرو ← ابرو

طالع خوب ← بخت بیدار

طامات ← شطح و طامات..

طبییان مدعی ← مدعیان

طبيب دل بیمار ← درمان دل

طراری ← عیاری

طرب

طرب نیز ← بهار (فصل طرب)؛ خوشباشی فصل

طرب...؛ وقت پرستی؛ بهشت نقد؛ مطرب؛

موسیقی

طره؛ زلف (تطاؤل زلف)

طریقت نیز ← سلوک

طعن حسودان

طغرا ← ابرو

طلب

طلب نیز ← دعا؛ حسن طلب؛ سوک؛ هدایت

طمع خام ← ناکامی

طهارت نفس ← تصفیة درون

ظریفان ← خوبان

ظلم ستیزی ← عدل

عارض معشوق ← رخ (روی معشوق)

عارف ← درویشان / درویشی

عاشقان (همه کس طالب یارند)

عاشق (بیخوابی...) ← بیخوابی عاشق

عاشق نیز ← آتش عشق

عاشق کشی معشوق ← معشوق (سنگدلی)؛ جفای

یار؛ معشوق (بی اعتنائی و عاشق کشی معشوق)

عاشق (گفت و شنود عاشق و معشوق) ← گفت و

شنودها

عاشق (نیاز...) ← نیاز عاشق

عاشقی و آه و ناله ← آه و ناله عشاق

عاشقی و گریه و زاری ← اشک

- عاشقی و ناکامی ← ناکامی
 عاشقی و وفاداری نیز ← ترک شکایت
 عاشقی نیز ← عشق؛ بیماری عاشق...
 عافیت‌ستیزی
 عافیت‌ستیزی نیز ← توبه و پرهیز؛ عشق (و
 پارسائی)
 عالم ← جهان
 عالم در ← عهد الست
 عالی مشربی ← همت عالی
 عدل
 عدل نیز ← کم آزاری
 عذرخواهی ← عیب‌پوشی
 عرفان حافظ ← خدا؛ درویشان / درویشی؛ فقر
 (سلطنت فقر)؛ شک؛ توکل؛ فنا؛ سلوک؛ صوفی؛
 خانقاه؛ خرقه؛ رضا؛ ترک تعلق؛ تصفیة درون؛ پیر؛
 عشق؛ لطف الهی؛ فیض ازل؛ عنایت؛ هدایت؛
 وحدت وجود؛ وقت‌پرستی؛ حجاب (تو خود
 حجاب خودی)؛ راز پوشیدن؛ هبوط (قوس نزول)؛
 تعالی استعلا؛ (قوس صعود)؛ شطح و طامات
 (دعوی کرامات)؛ نفی خواطر؛ پیر (لزوم گزینش
 پیر)؛ پیر مغان؛ طلب
 عزم سفر
 عزم سفر نیز ← سفر؛ غربت؛ سفرکرده
 عزیز مصر ← یوسف (ع)
 عشاق ← عاشقان...
 عشاق ← (آه و ناله...) ← آه و ناله عشاق
 عشرت ← خوشباشی
 عشق
 عشق (آسان نمائی)
 عشق (آموزگار سخن)
 عشق (آموزگار سخن) نیز ← شعر حافظ...
 عشق (ازلی و ابدی)
 عشق (بار امانت)
 عشق (بیان ناپذیری عشق)
- عشق (ثبات قدم)
 عشق (دشواریها)
 عشق (دولت عشق)
 عشق (مشکل آسان‌نما)
 عشق (و بلاکشی و ترک تنعم)
 عشق (و بی‌خوابی)
 عشق (و بی‌خوابی) نیز ← بی‌خوابی عاشق
 عشق (و بی‌خوابی) نیز ← شب زنده‌داری
 عشق (و پارسائی)
 عشق (و پارسائی) نیز ← عافیت‌ستیزی
 عشق (و تجلی)
 عشق (و جانبازی)
 عشق (و رستگاری)
 عشق (و رندی)
 عشق (و رندی) نیز ← رندی
 عشق (و زیبایی)
 عشق (و شیدائی)
 عشق (و صابری)
 عشق (و صابری) نیز ← صبر و ثبات
 عشق (و مفلسی)
 عشق (و وفاداری)
 عشق (و وفاداری) نیز ← عهد و وفا
 عشق نیز ← آتش عشق؛ آه و ناله عشاق؛ بوس و
 آغوش؛ بوی آشنا؛ بیماری عاشق؛ جاذبه جمال؛
 درد بی‌درمان؛ دوستی و صلح رازپوشیدن؛ طلب؛
 عاشقان؛ عاشقی؛ عقل (و عشق و باده) ناکامی؛
 نظریازی (و زیباپرستی)؛ هجران (فراق، جدائی)
 عفوطلبی ← عیب‌پوشی
 عفو و رحمت الهی
 عفو و رحمت الهی نیز ← لطف الهی؛ عیب‌پوشی
 عقل (و عشق و باده)
 عقل (و عشق و باده) نیز ← باده‌نوشی (و تحقیر
 عقل)
 علاج دل ← درمان دل

غرور و خودفروشی	علاج ناپذیری عاشق ← درد بی درمان
غرور و خودفروشی نیز ← باده (درمان غرور)	علم ← مدرسه (فرار از مدرسه)
غزلسرائی حافظ ← شعر حافظ...	علو همت ← همت عالی
غفلت	علی ابن ابی طالب (ع)
غفلت نیز ← عمر (اتلاف عمر)	عمر (اتلاف عمر)
غلمان ← معشوق مذکر	عمر (اتلاف) نیز ← جهان
غمازی اشک ← اشک غماز	عنایت
غم پرستی	عنایت نیز ← فیض ازل؛ سرنوشت...؛ عفو و
غم پرستی نیز ← سوختن و ساختن	رحمت الهی؛ لطف الهی ← هدایت
غم زدائی باده ← باده (غم زدائی باده)	عنبر ← بوی آشنا
غمزه	عندلیب ← گل و بلبل
غم غربت ← غربت (غم غربت)؛ هجران (فراق،	عهد الست
جدائی)	عهد الست نیز ← جبر (تقدیر)
غنیمت وقت ← وقت پرستی	عهدشکنی
غول ← اهریمن	عهدشکنی نیز ← معشوق (بیوفائی معشوق)
غیبت یار ← انتظار بازگشت	عهد طرب (یاد و دروغ ایام گذشته)
غیرت	عهد و وفا
غیرت نیز ← رقیب (جور رقیب)	عهد و وفا نیز ← صبر و ثبات، عشق (و وفاداری)؛
فارس ← شیراز	معشوق (بیوفائی معشوق)؛ یاران بی وفا
فانی بودن و بی اعتباری جهان ← جهان	عیادت
فتح الله [بن] ابوالمعالی ← برهان الدین	عیادت نیز ← بیماری عاشق...
فتنه ← حوادث (فتنه و بلا)	عیاری
فداکاری عاشق ← عشق و (جانبازی)	عیب پوشی
فرار از مدرسه ← مدرسه (فرار از مدرسه)	عیب جوئی (ذم عیب جوئی)
فراق ← هجران	عید رمضان ← رمضان
فراق ← هجران (فراق، جدائی)	عید صیام ← رمضان
فراموشی عهد ← عهدشکنی	عیسی (مسیح)
فردا ← آخرت اندیشی	عیش نقد ← بهشت نقد
فرشته ← سرور (هاتف، فرشته، ملک)	عیش و عشرت ← خوشباشی
فرصت شناسی ← وقت پرستی	
فریب جهان ← جهان	غالبه ← بوی آشنا
فساد اهل علم ← مدرسه (فرار از مدرسه)	غربت (غم غربت)
فساد خانقاه ← خانقاه	غربت (غم غربت) نیز ← شیراز؛ سفر
	غرور (درمان غرور با باده) ← باده (درمان غرور)

کارسازی و گرہ‌گشایی صبا ← باد صبا (نسیم)	فسادکاری ← صوفی
کأس الکرام ← جرعة كأس الکرام	فصل طرب ← بہار (فصل طرب)
کبر ← غرور و خودفروشی	فضل ← مدرسہ (فرار از مدرسہ)
کرامات ← شطح و ظامات...	فقر (سلطنت فقر)
کرشمہ ← غمزہ	فقر (سلطنت فقر) نیز ← درویشان / درویشی؛
کرم ← کمک بہ مستمندان	عشق و مفلسی؛ قناعت؛ ہمت عالی
کساد بازار ہنر ← ہنر (و نامرادی ہنرمند)	فقر نیز ← حسن طلب؛ قحط جود
کعبہ (حج؛ قبلہ؛ حرم)	فقیہ و واعظ ← واعظ و فقیہ
کلک حافظ ← شعر حافظ...	فلسفی اندیشی حافظ ← حیرت و یأس فلسفی
کلید گنج مقصود ← دعا	فیض ازل
کم آزاری	فیض ازل نیز ← عفو و رحمت الہی؛ لطف الہی
کم آزاری نیز ← دوستی و صلح	قامت یار
کمان ابرو ← ابرو	قبلہ ← کعبہ (حج؛ قبلہ، حرم)
کمر ← میان کمر	قحط جود
کمک بہ مستمندان	قحط جود نیز ← بخل (ذم بخیلان)؛ حسن طلب؛
کمک بہ مستمندان نیز ← یاری ناتوان	عشق و مفلسی
کنار و بوس ← بوس و آغوش	قحط وفا ← یاران بی وفا
گنج قناعت ← قناعت	قد ← قامت یار
کوی دوست (آرزوی رسیدن)	قدح ← جام جم
کوی دوست (دامگیری)	قدم عشق ← عشق (ازلی و ابدی)
کوی دوست (ستایش کوی دوست)	قرآن
کوی دوست (و خاک کوی دوست)	قسام بہشت و دوزخ ← علی بن ابی طالب
کوی مغان ← خرابات	قساوت معشوق ← معشوق (سنگدلی معشوق)
کیفر و پاداش ← پاداش و کیفر	قسمت ← سرنوشت...
گدائی ← فقر (سلطنت فقر)	قناعت
گریہ ← اشک	قناعت نیز ← حسن طلب؛ عشق و مفلسی؛ فقر
گفت و شنودھا	(سلطنت فقر)؛ ہمت عالی
گفت و گو ← گفت و شنودھا	قوام الدین حسن ← حاجی قوام (قوام الدین حسن)
گلبانگ ← آواز (سرود، نغمہ، گلبانگ، زمزمہ)	قوام الدین محمد صاحب عیار
گل (آمدن و رفتن گل)	قوس صعود
گل و بلبل	قوس نزول
گناہکاری	قیامت ← آخرت اندیشی
گناہ و عفو ← عیب پوشی	قیل و قال علم ← مدرسہ (فرار از مدرسہ)

مدرسه (فرار از مدرسه)	گنج قناعت ← قناعت
مدرسه (فرار از مدرسه) نیز ← حیرت و یأس	گنج و گدائی ← فقر (سلطنت فقر)
فلسفی	گیسو ← زلف (تطاؤل زلف)
مدعیان	
مدعیان نیز ← طعن حسودان؛ غرور و خودفروشی	لب و دهان ← دهان و لب
مرثیه ← سوگ عزیزان	لذت اندوه ← غم پرستی
مرشد ← پیر (لزوم گزینش پیر)	لطف الهی
مرشد حافظ ← پیر مغان	لطف الهی نیز ← عفو و رحمت الهی
مرقع ← خرقه (دلوق؛ پشمینه)	لطف الهی نیز ← فیض ازل
مرگ اندیشی (و زندگی پس از مرگ)	لطیفان ← خوبان
مرگ اندیشی (زندگی پس از مرگ) نیز ← سوگ	لعل نوشین ← دهان و لب
عزیزان	لقاء الله ← رؤیت (دیدة حق بین)
مروت و مدارا ← دوستی و صلح	
مژده ← امیدواری و خوش بینی	ماه رمضان ← رمضان
مژگان	ماه صیام ← رمضان
مستمندان ← کمک به مستمندان	ماه کنعانی ← یوسف (ع)
مستوری ← عافیت ستیزی	مبارزه با ریاکاری ← ریاستیزی
مستوری نیز ← توبه و پرهیز	مجلس انس
مستی ← باده؛ جرعه کأس الکرام؛ میخانه	مجلس خاص
مستی و بیخبری ← باده نوشی (و مستی و بیخبری)	محبت ← دوستی و صلح؛ عشق
مسعود شاه (جلال الدین)	محبوب ← معشوق (وصف معشوق)
مسکین نوازی ← کمک به مستمندان	محبوب مذکر ← معشوق مذکر
مسیح ← عیسی (مسیح)	محتسب
مشایخ ← شیخ خانقاه	محتسب نیز ← ریا؛ ورع (موسم ورع / روزگار پرهیز)
مشکل آسان نما ← عشق (مشکل آسان نما)	محراب ابرو ← ابرو
مشکلات طریقت ← سلوک	محرمت ← راز پوشیدن
مصاحب ناجنس ← همنشین بد (یار مخالف)	محرومت ← ناکامی
مطرب	محفل ← مجلس خاص
مطرب نیز ← طرب؛ موسیقی	محمد بن علی (قوام الدین صاحب عیار) ←
مظفریان (آل مظفر) ← امیر مبارزالدین؛ شاه	قوام الدین محمد صاحب عیار
شجاع؛ شاه منصور؛ شاه یحیی	مدارا و مروت ← دوستی و صلح
معاد ← آخرت اندیشی	مدام ← باده
معرفت	مدح شاه ← شاه

یار غایب ← انتظار بازگشت
یار مخالف ← همنشین بد (یار مخالف)
یاری ناتوان
یاری ناتوان نیز ← کمک به مستمندان
یأس فلسفی ← حیرت و یأس فلسفی
یحیی مظفری ← شاه یحیی
یکتای بی همتا ← معشوق بی همتا
یکرنگی ← صدق و صفا و اخلاص یوسف (ع)

ہجران (فراق، جدائی)	واعظ ← پند (پندپذیری)
ہجران نیز ← انتظار بازگشت؛ تنہائی؛ یار سفر	واعظ و فقیہ
کردہ	واعظ و فقیہ نیز ← زاہد؛ شیخ خانقاہ
ہدایت	واقعاتی پس از مرگ ← مرگ اندیشی (و زندگی پس از مرگ)
ہدایت نیز ← تصفیہ درون	وحدت وجود نیز ← عرفان حافظ
ہزارستان ← گل و بلبل	ورد ← دعا
ہمت عالی	ورع (موسم ورع / روزگار پرهیز) وصال وصال نیز
ہمت عالی نیز ← استغنا؛ حسن طلب؛ قناعت	← بوس و آغوش؛ شب وصل؛ معشوق (بازگشت معشوق)؛ وصال (آرزوی وصال)
ہمصحبت بد ← ہمنشین بد (یار مخالف)	وصال دوست
ہمنشین بد (یار مخالف)	وصف ابرو ← ابرو
ہمنشین بد نیز ← یاران بی وفا	وصف بادہ ← بادہ ستائی
ہمہ خدائی ← وحدت وجود	وصف چہرہ ← رخ (روی)
ہندوی خال ← خال	وصف دہان و لب ← دہان و لب
ہنر (و نامرادی ہنرمند)	وصف زلف ← زلف (تطاؤل زلف)
ہنر (و نامرادی ہنرمند) نیز ← حسن طلب؛ زمانہ...	وصف معشوق ← معشوق (وصف معشوق)
ہنر حافظ ← شعر حافظ...	وصف میان (کمر) ← میان (کمر)
ہوای کوی یار ← کوی دوست (و خاک کوی دوست)	وصف ناپذیری عشق ← عشق (بیان ناپذیری عشق)
ہوای وطن ← شیراز؛ غربت (غم غربت)	وصل (شب وصل) ← شب وصل
یاد دوست (فراموشی)	وطن دوستی ← شیراز؛ غربت (غم غربت)
یاد دوست نیز ← خیال معشوق	وظیفہ (مقرر) ← حسن طلب
یاد و دریغ ایام گذشتہ ← عہد طرب...	وعظ ← پند (پندپذیری)
یار ← معشوق (وصف معشوق)	وفاداری ← حق شناسی
یاران باوفا	وفاداری ← یاران باوفا
یاران باوفا نیز ← دوستی و صلح	وفاداری و عشق ← عشق (و وفاداری)
یاران بی وفا	وفا نداشتن معشوق ← معشوق (بیوفائی معشوق)
یاران بی وفا نیز ← معشوق (بیوفائی معشوق)؛	وفا و عہد ← عہد و وفا
ہمنشین بد (یار مخالف)	وقت پرستی
یار بی نشان ← معشوق (بی نشانی معشوق)	وقت پرستی نیز ← بہشت نقد
یار بی ہمتا ← معشوق یگانہ	
یار سفر کردہ	ہاتف ← سروش (ہاتف، فرشتہ، ملک)
یار سفر کردہ نیز ← ہجران (فراق، جدائی)	ہبوط (قوس نزول) ← قوس نزول

نثار جان ← عشق (و جانبازی)	مهر ← عشق
نجات بخشی عشق ← عشق (و رستگاری)	مهربانان ← عاشقان
نخوت ← غرور و خودفروشی	مهربانی ← دوستی و صلح؛ یاران باوفا
نرگس ← چشم یار	مهرورزان ← عاشقان
نزول به دنیا ← قوس نزول	مهروبان ← خوبان
نسیم ← باد صبا (نسیم)	می ← باده
نصرةالدين شاه يحيى ← شاه يحيى	میان (کمر)
نصیحت پذیری ← پند (پندپذیری)	میانروی و اعتدال ← اعتدال و میانروی
نصیحت ناپذیری ← پند ناپذیری	میثاق ← عهد و وفا
نظربازی (و زیباپرستی)	میخانه
نظربازی و زیباپرستی نیز ← بوس و آغوش؛ جاذبه	میخانه نیز ← باده؛ خرابات
جمال؛ دلبری؛ میان (کمر)	میکنده ← خرابات
نظم دری ← شعر حافظ...	می و معشوق ← باده و ساده
نغمه ← آواز (سرود، نغمه، گلپانگ، زمزمه)	ناپایداری جهان ← جهان
نغمه ← بوی آشنا	ناز ← غمزه
نفی خواطر	نازک بدنان ← خوبان
نفی خواطر نیز ← تصفیة درون	ناز معشوق
نقش خیال ← خیال معشوق	نازنینان ← خوبان
نقض عهد ← عهد شکنی	ناصر ← پند (پندپذیری)
نکورونی ← حسن	ناصر نیز ← پندناپذیری
تکهنه ← بوی آشنا	نافه ← بوی آشنا
نگاهداری راز ← راز پوشیدن	نافه نیز ← زلف (تطاؤل زلف)
تنگ و نام ← نام / بدنامی	ناکامی
نوازش طلبی ← آشتی جوئی	ناکامی عاشق ← معشوق (بی نشانی معشوق)
نوازش طلبی نیز ← بیماری عاشق...	ناکامی نیز ← زوال حال
نوای مطرب ← مطرب	نالۂ شبانه ← دعا
نوشانوش ← باده (شادی روی کسی خوردن)	نالۂ عشاق ← آه و نالۂ عشاق
نومیدی و بدبینی ← زمانه...	نام / بدنامی
نیاز عاشق	نام / بدنامی نیز ← ملامتیگری
نیاز نیز ← دعا	نامرادی هنرمند ← هنر (و نامرادی هنرمند)
نیایش ← دعا	نام و ننگ ← نام / بدنامی
وادی ایمن ← موسی (ع)	نامه نگاری ← پیک و پیام
وارستگی ← استغنا؛ ترک تعلق	ناوک مژگان ← مژگان

مغیجه باده فروش ← ساقی	معشوق (اوصاف معشوق)
مغروری ← غرور و خودفروشی	معشوق (اوصاف معشوق) نیز ← ابرو؛ رخ (روی معشوق)؛ چاه زرخندان؛ چشم یار؛ خال؛ خط؛ دهان و لب؛ زلف؛ (تطاول زلف)؛ قامت یار؛ مژگان؛ چشم؛ ابرو؛ دهان و لب؛ خال؛ زلف؛ چاه زرخندان؛ میان (کمر)؛ قامت یار؛ دلبری؛ بوس و آغوش؛ غمزه
مغنی نیز ← مطرب؛ موسیقی	معشوق (بازگشت معشوق)
مفلسی و عشق ← عشق و مفلسی	معشوق (بازگشت معشوق) نیز ← انتظار بازگشت معشوق (بی‌اعتنائی و عاشق‌کشی معشوق)
مقام و حال ← حال و مقام	معشوق (بی‌اعتنائی و عاشق‌کشی معشوق) نیز ← جفای یار
مکانبه ← پیک و پیام	معشوق (بی‌نشانی معشوق)
مکافات ← پاداش و کیفر	معشوق (بیوفائی معشوق)
مکر عالم ← جهان	معشوق (چهره) ← چهره معشوق
مل ← باده	معشوق (خاک پای معشوق)
ملاححت و حسن ← دلبری	معشوق (خیال...) ← خیال معشوق
ملامت‌کشی	معشوق (سنگدلی معشوق)
ملامتیگری نیز ← نام / بدنامی	معشوق (سنگدلی معشوق) نیز ← معشوق (بی‌اعتنائی و عاشق‌کشی معشوق)؛ جفای یار
ملک / ملایک ← سروش (هاتف، فرشته، ملک)	معشوق (عمربخشی)
ملمع ← خرقه (دلق، پشمینه)	معشوق (غمزه معشوق) ← غمزه
ممدوحان حافظ ← شاه...	معشوق (گفت و شنود عاشق و معشوق) ← گفت و شنودها
مناعت طبع ← همت عالی	معشوق مذکر
منزلگه انس ← کسوی دوست (و خاک کوی دوست)	معشوق مذکر نیز ← خط
منصور مظفری ← شاه منصور	معشوق (ناز...) ← ناز معشوق
موج اشک و سرشک ← اشک	معشوق (وصال معشوق) ← وصال
موسم ورع ← ورع (موسم ورع / روزگار پرهیز)	معشوق (وصف میان) ← میان (کمر)
موسی (ع)	معشوق یگانه
موسیقی الف (آواز ب) آهنگ ب) ارغنون ت)	معشوق نیز ← بوس و آغوش؛ بوی آشنا؛ جاذبه جمال؛ خوبان؛ دلبری؛ عاشقان؛ هجران (فراق، جدائی)
اصفهان ث) بانگ و گلبانگ ج) بربط ج) بیم و زیر	معشوق وجود ← حیرت و یأس فلسفی
ح) پرده خ) حجاز د) چغانه ذ) چنگ ر) خنیاگری	
ز) خوشخوانی ژ) راه س) رود ش) ریاب ص) زهره	
ض) سازه) سرود غ) عراق ف) عود ق) قول و	
غزل ک) مطرب گ) مقام ل) مغنی م) ناله ن) نای و	
نی و نقش ه) نوا	
موی ← زلف (تطاول زلف)؛ دل شیدا و زنجیر زلف	
موی میان ← میان (کمر)	
مهجوری ← هجران (فراق، جدائی)	

Reza.Golshah.com
www.KetabFarsi.com